

### نامه‌های رسیده به سردبیر

اشاره: همه روزه پیام‌های فراوان از انبوهی از خوانندگان ماهنامه‌ی حافظ با تلفن و فاکس و نامه و پست الکترونیک به ما می‌رسد. شرمندیم که به دلیل کثرت نامه‌های رسیده، اعلام وصول نامه‌ها و پاسخ‌گویی به آن‌ها مقدورمان نیست. اما به شما اطمینان می‌دهیم که همه‌ی این نامه‌ها را می‌خوانیم و به نوبت قسمت‌هایی از نامه‌های خوانندگان فرهنگمند خود را که حاوی پیامی خواندنی باشد، در این بخش چاپ می‌کنیم.

### حجت‌حیدری

✉ در مقاله‌ی این جانب «بداخلاقی‌های مخرب و خوش‌اخلاقی‌های سازنده» در شماره‌ی ۲۰، چند اشتباه پیش آمده است:  
۱- در صفحه‌ی ۹۲، ستون یک، سطر چهارم، (۰۵) غلط و ۵۰ صحیح است.  
۲- در همان ستون سطر پنجم امریکا غلط و افریقا صحیح است.  
۳- در همان ستون سطر شانزدهم بشر غلط و شرور صحیح است.  
۴- در همان صفحه، ستون دوم، سطر ۲۲ این جمله، جا افتاده است: «شکم گرسنه ایمان ندارد، به موجب آمار در دست ۱۰٪ تا ۱۷٪ مردم زیر خط فقر هستند».  
۵- در صفحه‌ی ۹۲، ستون دوم، سطر ۲۴ و ۲۵، ۰.۱ - ۰.۲ □ غلط و ۱۰٪ و ۲۰٪ صحیح است.

### دکتر مهدی پرهام - تهران

✉ به نوشته‌ی ناچیز این جانب با عنوان «دکتر غلام‌حسین ساعدی؛ نویسنده و نمایشنامه‌نویس» در شماره‌ی ۲۰، آبان ۸۴، صص ۷۳ - ۷۴، متأسفانه اغلاط مطبعی چندی راه یافته است. (عمده‌ی اشتباهات چاپی مرتبط با سال نگارش آثار زنده‌یاد دکتر ساعدی است که بر اثر خطای رایانه‌ی اعداد و ارقام، راست به چپ زده شده) و از جمله:

در صفحه‌ی ۷۳، ستون ۲، پاراگراف ۷، شب‌نشینی با شکوه (۱۳۳۹)، ۹۳۳۱ (!!)، عزاداران بیل (۱۳۴۳)، ۳۴۳۱ (!!)، دندیل (۱۳۴۵)، ۵۴۳۱ (!!)، واهمه‌های بی‌نام و نشان (۱۳۴۶)، ۶۴۳۱ (!!)، ترس و لرز (۱۳۴۷) / توپ (۱۳۴۸)، ۷۴۳۱ (!!)، گور و گهواره (۱۳۵۶)، ۶۵۳۱ (!!)، اطمینان دارم،

غلط‌بودن این سال‌ها را خوانندگان دانشور مجله خود، تشخیص خواهند داد.

### دکتر محمدحسین عزیزی - تهران

✉ با توجه به این‌که بنده یکی از خوانندگان و مشترکین این مجله می‌باشم، چند انتقاد کوچک خدمتان عرض می‌کنم و از این بابت شرمسارم. ماهنامه‌ی حافظ بیش از حد، دچار یک نوع حافظ‌زدگی شده است که گاهی خواننده تصور می‌کند غیر حافظ دیگر بزرگان ادب و فرهنگ کشور سهمی در شکوفایی تاریخ این مملکت نداشته‌اند. کسی منکر این نیست که حافظ شخصیت بزرگی در شعر و ادبیات ماست، اما تا کنون در نشریه‌ی شما مطالب زیادی از نقد، بررسی، تحلیل و تحقیق به عمل آمده که گاهی به صورت تکرار و بیش‌تر صفحات ماهنامه را به خود اختصاص داده است. در این‌جا چنان‌چه مقدور باشد جا دارد از دیگر بزرگان شعر و ادب فارسی نیز سخنی به میان آید تا خدای ناکرده در مورد آنان کم‌لطفی صورت نگیرد و از طرفی مطالب نشریه تکراری و کلیشه‌ی نگردد. از طرفی هیچ‌گونه معنی ندارد که نام نشریه حافظ باشد اما در شماره‌ی از حافظ سخنی به میان نیاید چرا که بزرگان ناگفته بزرگند.

### عبدالرضا جلیلیان - شوش دانیال

✉ با عرض ادب و درود فراوان به شما استاد فرهیخته همانگونه که مستحضرید انسان‌ها دارای رسالتی می‌باشند که با بالا رفتن میزان درک و دانش هر کس این رسالت حساس‌تر و سنگین‌تر می‌گردد. ظلم‌ستیزی در رأس رسالت اشخاص قرار دارد که جامعه‌ی هنری، ادبی و روشنفکران باید همیشه مدنظر قرار دهند و با روشن کردن افکار عمومی به آن بپردازند و از مدح بی‌جا در مورد هر کس خودداری نمایند و انسان‌بودن خود را به هیچ بهایی نفروشدند. «با پس دادن درس خویش» چند شعر از اشعار ۲۵ ساله‌ی اخیر خود را تقدیم می‌دارم و امیدوارم مورد پسند قرار گیرد.

### بقا - تهران

✉ کتابی در ۱۳۷۹ با عنوان «تاریخچه‌ی مطبوعات استان مرکزی» به همت خانه‌ی مطبوعات استان مرکزی منتشر شده است.

در صفحه‌ی ۲۰ آن کتاب، از فصل‌نامه‌ی علمی و ادبی «دانش روز» (نشریه‌ی مدرسه‌ی عالی علوم اراک) یاد شده و نوشته‌اند که این فصلنامه به مدیریت دکتر عبدالکریم قریب و همکاری احمد آرام، گل‌گلاب، سیدحسین امینی [کذا- سیدحسین امین] و محمدتقی امامی در ۱۳۵۲ منتشر شد. چون نام جناب‌عالی که در آن تاریخ در کسوت قضاوت در شهر رجال‌پرور اراک، به خدمات علمی و ادبی هم موفق بودید، اشتباهاً «امینی» ثبت شده، من نسخه‌ی خودم را تصحیح کردم و برای این‌که آدرس «خانه‌ی مطبوعات استان مرکزی» را نداشتیم، علاقه‌مند شدم از طریق مجله، این اشتباه را به اطلاع‌شان برسانم.

### احمد متولی - اراک

✉ در بخش داستان کوتاه شماره‌ی ۲۰ (آبان‌ماه) نوشتار آقای جلال خلفی با عنوان اصل اول، سخت جلب توجه نمود، با تشکر از وی که کوشید یک‌سری واقعیات تلخ و گزنده را با کنایه، طنز و استعاره در قالب تمثیلی (جنگل) مطرح کند و افسوس! بر روزگاری که عالم و جوامع بشری لبریز از نقاب‌ها و نمایش‌های دین، سیاست، علم و... با جنگل مذکور می‌رود که یکی شود...

این هم شعری تقدیم به بندر انزلی:

از الف آرام جان انباشتیم  
آرزو از جنس باران داشتیم  
نون نشد نقص نفس در سایهات  
نیز نامد نقش دل بی‌مایهات  
زا زکات عشق بر روی زمین  
تن به دل داده بمان زیباترین  
لام لب در لحظه لبریز تو شد  
لمس لحظه لمس پاییز تو شد  
یا یکی یادآور صد قبله شد  
یار یاران آه ما صدساله شد  
**سروش ملت پرست - بندر انزلی**

✉ مقاله‌ی «خواب‌های من» شما را دیدم بر اثر معرفی ماهنامه‌ی شماره‌ی ۲۰ در روزنامه‌ی شرق در ۱۷ آبان ۸۴ و بعد «دایرة‌المعارف خواب و رؤیا» تألیف و تصنیف پروفیسور سیدحسین امین را با شور و شوق زایدالوصف خریدم و خواندم. من تا

کنون چنین تحقیق و تألیفی در این زمینه ندیده و نخوانده‌ام که هم از جهت علمی و روانشناختی و هم از جهت فلسفی و عرفانی و هم از جهت ادبی و تاریخی با این عمق و ژرفا به موضوع خواب و رؤیا پردازد. بله، خواب کاشف اسرار است، چنان که در صفحه‌ی ۷۷ کتاب **نامه‌های صالح** چاپ دوم ۱۳۵۸ مرحوم صالح علی‌شاه گنابادی به پسر خود مرحوم سلطان حسین تابنده نوشته‌اند که: «رؤیا که دیده‌ی در مرتبه‌ی صحیح است. مؤمنین مرآئی یک‌دیگر و مرآئی بزرگان دین‌اند. مرحوم آقای شهید [سلطان علی‌شاه] هم نسبتی به مرحوم سبزواری [حاج ملا هادی] داشتند و مربی فقیر علی بن محمد است». حالا خود من هم خواب‌گرایی که دیده‌ام برایتان می‌نویسم تا در صورت امکان چاپ شود...

### علی جواهری - تهران

✉ در آگهی تسلیت به جناب آقای محمدحسن حسامی محولاتی، نام‌های زیر از قلم افتاده بود، خواهشمندم آن‌ها را به هر صورت که مصلحت می‌دانید، در مجله یادآور شوید: دکتر محسن فرشاد (انجمن انس و معرفت)، آقای معینی (انجمن همدانی‌ها)، خانم سیما هدایت (انجمن ادبی عارف)، خانم فخری احساسی (انجمن ادبی پروین اعتصامی)، دکتر حمید دیهیم (انجمن ادبی صائب)، و نیز آقایان محمدابراهیم حسینجانی، اسماعیل رزم‌آسا و...

### قاسم شکروی - تهران

✉ به‌عنوان خواننده‌ی مستمر مجله، خواهشمندم اولاً، بخش معرفی و انتقاد کتاب را ارتقاء دهید؛ ثانیاً، مقالات مفصل‌تر و ولو از خودتان، چاپ نکنید. مقالاتی که از سه یا چهار صفحه بیش‌تر باشد، مقاله نیست، رساله است و باید به‌صورت یک کتاب کوچک چاپ شود. ثالثاً، مثل آقای ربیعی که در ستون‌نامه‌ها به مشترکین سفارش کرده بود، من به نویسندگان مقالات پیشنهاد می‌کنم که برای تداوم مجله، از هر شماره‌ی که مقاله‌شان چاپ می‌شود، ده - بیست نسخه بخرند و هر نسخه را به یکی از علاقه‌مندان بدهند و از

یکایک آن‌ها بخواهند که مجله را مشترک شوند. این کار یک نوع وسیله‌ی فرهنگ‌سازی است. البته من می‌دانم که بعضی از مشترکین هم به محض پخش مجله یک شماره از کیوسک روزنامه‌فروشی نزدیک خودشان خریداری می‌کنند و بعد که مجله‌ی اشتراکی‌شان می‌رسد، آن را به یک نفر از دوستان یا همکاران یا همسایگان می‌دهند. رابعاً، پیشنهاد می‌کنم صفحه‌ی برای «نیازمندی‌های» خوانندگان و علاقه‌مندان مجله، به صورت «صفحه‌ی آگهی‌های کوتاه» اختصاص دهید.

### دکتر حسن خراسانی - مشهد

✉ من خیلی شعر می‌خوانم و خیلی شعر می‌نویسم و همیشه احساس می‌کنم شعرهایی که می‌نویسم نوعی الهام است که به وسیله‌ی من بر تن کاغذ سفید زنده می‌شوند. شعرهای من سپید است. متولد ۱۳۶۵/۱۰/۲۲ ساکن شهرستان میانه هستم. یک مجموعه‌ی شعر دارم. عضو انجمن ادبی شهرمان هستم و ۶ سال است که به‌صورت جدی شعر می‌نویسم. گاهی مطالب و یا شعرهایم در هفته‌نامه‌ی **دوچرخه** چاپ می‌شود. و بی‌وفایی و بی‌مهری زیادی را از مسئولین در باب شعرهایم دیده‌ام و چون شهرم، شهر کوچکی است، نمی‌توانم کاری اساسی برای چاپ شعرهایم داشته باشم.

### آزاده باقرپور - میانه

✉ سلام علیکم؛

بنده‌ی کم‌ترین، مهدی اردستانی (محمد علیان)، متولد: ۱۳۶۱/۰۶/۲۵ ه.ش. در شهرستان ورامین می‌باشم. این بنده، شعر (قصیده‌ی) با عنوان «یاد آن روزها...» در ۵۵ بیت و ۲ بیت پیش‌درآمد برای مجله‌ی گران‌سنگ **حافظ** ارسال نموده‌ام. لازم به‌ذکر است که در ماه گذشته (شهریور ماه) نیز شعر (قصیده‌ی) را با عنوان «کوبیر حسرت» در غالب [کذا] ۱۵۹ بیت و ۲ بیت پیش‌درآمد، ارسال کرده‌ام که در شماره‌ی مهر ماه به چاپ نرسید. در ادامه چند نکته را لازم می‌دانم، که بیان گردد:

اول این‌که: در بخش «با شاعران امروز» نام بنده، در قسمت «اشعار شما رسید» (شماره‌ی مهرماه) به‌صورت، «مهدی اردستانی، محمدعلیان تکی» چاپ شده بود، که درست آن «مهدی اردستانی محمدعلیان تکی» می‌باشد. (ویرگول در بین نام خانوادگی بنده نیست.) دوم این‌که: اگر قرار است شعر (اشعار) بنده در مجله‌ی **حافظ** به چاپ برسد، خواهشمندم بدون حذفیات به طبع رسانید. هر چند که این اشعار طولانی می‌باشند. (هر دو قصیده با وجود طویل‌بودن، از لحاظ معنایی کاملاً به یک‌دیگر وابسته‌اند.) سوم این‌که: اگر که اشعار حقیر به طبع رسید، خواهش فراوان دارم، تاریخ سرودن اشعار را حتماً قید نمایید و نام بنده را به‌صورت «مهدی اردستانی (محمدعلیان)» بنویسید.

چهارم این‌که: تغییراتی را که پس از ارسال قصیده‌ی «کوبیر حسرت»، برای مجله ارسال کردم را حتماً، حتماً و حتماً در نظر داشته باشید.

در نهایت اعلام می‌دارم قصیده‌ی «کوبیر حسرت» که در ماه گذشته ارسال گردیده، شامل ۱۵۹ بیت اصلی و ۲ بیت پیش‌درآمد بوده است و قصیده‌ی «یاد آن روزها» که در این ماه برای شما فرستاده‌ام، شامل ۵۵ بیت اصلی و ۲ بیت پیش‌درآمد می‌باشد.

### مهدی اردستانی (محمدعلیان) -

ورامین

✉ برای ادای دین به مجله‌ی وزین **حافظ**، چند قطعه شعر و مقاله‌ی ضمیمه را تقدیم می‌نمایم. مرحوم ابوالقاسم پاینده که مقاله درباره‌ی او نوشته شده است، نویسنده، مترجم و سیاستمدار بود که به حق در تاریخ ادب و فرهنگ این مرز و بوم مظلوم واقع شده است. حقیر مقاله‌ی کوتاه دیگری هم به یاد او نوشته‌ام که سال‌ها پیش با عنوان «گمشده در غبار گمنامی» در روزنامه‌ی **اطلاعات** به چاپ رسیده است. چاپ این مقاله می‌تواند ضمن گرامی‌داشت یاد او کسانی را تشویق کند تا آثار او را (از تاریخ و ترجمه یا داستان) بخوانند و لذت ببرند.

### صفرعلی کرمی - اصفهان